



تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

تحلیل پنج افسانه در هزار و یک شب

استاد راهنما:

دکتر محمد بارانی

استاد مشاور:

دکتر مریم خلیلی جهانتیغ

تحقیق و نگارش:

مریم رحمانی پور

(این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره مند شده است)

بهمن ۱۳۸۸

بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان **تحلیل پنج افسانه در هزارو یک شب** قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد **زبان و ادبیات فارسی** توسط دانشجو **مریم رحمانی پور** تحت راهنمایی استاد پایان نامه **دکتر محمد بارانی** تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می‌باشد.

مریم رحمانی پور

این پایان نامه ۴..... واحد درسی شناخته می‌شود و در تاریخ توسط هیئت داوران بررسی و درجه به آن تعلق گرفت.

نام و نام خانوادگی	امضاء	تاریخ
استاد راهنما:	دکتر محمد بارانی	
استاد مشاور:	دکتر مریم خلیلی جهانتیغ	
داور ۱:	دکتر عباس نیکبخت	
داور ۲:	دکتر عبدالعلی اویسی	
نماینده تحصیلات تکمیلی:	دکتر داریوش صالحی	



تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب مریم رحمانی پور تأیید می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان‌نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء

تقدیم به:

پدرم آیت استواری

مادرم الهه‌ی مهر

و

همه‌ی قصه‌گوییانی که با افسانه‌های خود آرامش را به بشریت هدیه

دادند.

سپاسگزاری

سپاس بیکران خدای عزوجل را که توفیق پژوهش و تحقیق را به این کمترین بنده اعطا نمود. پس از سپاس از خداوند بزرگ از همه‌ی عزیزانی که در به ثمر رسیدن این رساله یاری‌ام کردند سپاس می‌گذارم. اساتید ارجمندم که با تلاش‌ها و راهنمایی‌های ارزشمندشان راهگشای این جانب بودند. خانواده‌ی عزیزم که حوصله‌ی فراوان نشان داده و محیطی آرام برایم ایجاد کردند. دوستان خوب و مهربانم که کمک‌های فراوانی به من کردند و همه‌ی عزیزان و دوستانی که در به ثمر رسیدن این رساله به نحوی کمک کردند.

چکیده

دیر زمانی نیست که افسانه‌های عامیانه از دیدگاه روش‌های علمی، ادبی مورد توجه قرار گرفته‌اند. قصه‌های عامیانه یکی از اشکال ادب شفاهی هستند، گنجینه‌ای عظیم و کهنسال از اعتقادات و باورها و آداب و رسوم گاه فراموش شده‌ی ملت‌ها را در دل خود نهان دارند. برای دستیابی به این ذخایر ارزشمند، بررسی علمی و تجزیه و تحلیل دقیق ساختار و محتوای این قصه‌ها امری ضروری است. به همین منظور بر آن شدیم تا در پنج داستان از هزارو یک شب هم عناصر روساختی و هم عناصر زیر ساختی را با توجه به ابزار تئوریک نقد ادبی جدید مورد بررسی قرار دهیم تا شناختی دقیق از این نوع فرهنگ گذشته‌ی ادبی را ارائه دهیم که خود خدمتی برجسته به ادبیات و فرهنگ است.

در فصل اول، ابتدا کلیتی از داستان و قصه و افسانه و آمده است، سپس نگاهی به سیر تاریخی هزارو یکشب در غرب و ایران داریم.

فصل دوم، شامل بررسی عناصر داستانی از قبیل: طرح، زاویه‌ی دید، شخصیت، گفت و گو، زمان و مکان و سبک و زبان است.

در فصل سوم، عناصر داستانی را در حکایات مورد نظر، به صورت کاربردی مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم. در فصل چهارم، به بررسی زیر ساخت حکایت‌های منتخب پرداخته و در نهایت در فصل آخر به نتیجه‌گیری کلی پرداخته‌ایم.

واژگان کلیدی: داستان، قصه، افسانه، عناصر داستان و اعتقادات و باورها.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات
۲	۱-۱- مقدمه
۳	۲-۱- پیشینه‌ی تحقیق
۳	۳-۱- اهداف تحقیق
۳	۴-۱- سؤالات تحقیق
۴	۵-۱- داستان
۵	۱-۵-۱- داستان برای چیست
۵	۲-۵-۱- انواع داستان
۶	۶-۱- قصه و قصه گوئی
۶	۱-۶-۱- تعریف قصه
۸	۲-۶-۱- قصه‌های عامیانه
۸	۳-۶-۱- انواع داستان‌های عامیانه
۹	۴-۶-۱- هدف قصه‌ها
۹	۵-۶-۱- قصه‌ها از لحاظ روان‌شناختی
۱۰	۶-۶-۱- انواع قصه
۱۱	۷-۱- پیدایش افسانه
۱۲	۱-۷-۱- نشر افسانه‌ها در دوران باستان
۱۳	۲-۷-۱- قصه‌های پریان
۱۴	۳-۷-۱- اهمیت قصه‌های پریان
۱۴	۴-۷-۱- تاریخچه‌ی هزارو یک شب
۱۷	۵-۷-۱- چه کسی هزارو یک شب را نوشت؟
۱۷	۶-۷-۱- هزارو یک شب در غرب
۱۸	۷-۱- ترجمه‌ی الف لیله و لیله به فارسی
۱۹	فصل دوم: عناصر داستان
۲۰	۱-۲- طرح
۲۱	۱-۱-۲- ویژگی‌های یک طرح خوب
۲۱	۲-۱-۲- عناصر طرح
۲۱	۱-۲-۱-۲- گره افکنی
۲۱	۲-۲-۱-۲- کشمکش
۲۳	۳-۲-۱-۲- هول و ولا و حالت تعلیق
۲۳	۴-۲-۱-۲- بحران

۲۴۵-۱-۲-۲- بزنگاه و نقطه‌ی اوج.....
۲۵۶-۲-۱-۲- گرہ گشایی.....
۲۵۲-۱-۲- انواع پیرنگ.....
۲۵۲-۲- شخصیت.....
۲۶۱-۲-۲- تقسیم بندی شخصیت.....
۲۷۳-۲- زاویه‌ی دید.....
۲۷۱-۳-۲- انواع زاویه‌ی دید.....
۲۷۱-۱-۳-۲- دیدگاه دانای کل نامحدود.....
۲۸۲-۱-۳-۲- دیدگاه دانای کل محدود.....
۲۸۳-۱-۳-۲- دیدگاه دانای کل نمایشی.....
۲۸۴-۱-۳-۲- دیدگاه اول شخص.....
۲۹۵-۱-۳-۲- دیدگاه دوم شخص.....
۲۹۶-۱-۳-۲- دیدگاه تک گویی درونی و بیرونی.....
۲۹۷-۱-۳-۲- دیدگاه بدون راوی.....
۲۹۴-۲- گفت و گو.....
۳۰۵-۲- حقیقت ماندی یا واقعیت در داستان.....
۳۰۶-۲- صحنه پردازی و زمان و مکان.....
۳۱۷-۲- لحن و سبک.....
۳۲۱-۷-۲- سبک و زبان در هزارو یک شب.....
۳۳۱-۱-۷-۲- خصوصیات صرفی.....
۳۴۲-۱-۷-۲- خصوصیات نحوی.....
۳۶۸-۲- فضا یا محیط.....
۳۷۹-۲- درون مایه و مضمون.....
۳۷۱۰-۲- موضوع.....
۳۸۱-۱۰-۲- انواع موضوع.....
۳۸۱-۱-۱۱-۲- داستان‌های حادثه پردازانه.....
۳۸۲-۱-۱۱-۲- داستان‌های واقعی.....
۳۹۳-۱-۱۱-۲- داستان‌های وهمناک.....
۳۹۴-۱-۱۱-۲- داستان‌های خیال و وهم.....
۳۹۵-۱-۱۱-۲- داستان‌های واقع گرایانه‌ی خیالی.....
۴۰ فصل سوم: تحلیل پنج افسانه
۴۱۱-۳- حکایت سند باد بحری.....
۴۱۱-۱-۳- خلاصه‌ی داستان.....
۴۵۲-۱-۳- طرح.....
۴۸۳-۱-۳- زاویه‌ی دید.....
۵۱۴-۱-۳- شخصیت.....
۵۲۱-۴-۱-۳- شخصیت اصلی.....

۵۴۳-۴-۱-۲- نیروهای مخالف.....
۵۶۳-۱-۵- گفت و گو.....
۵۹۳-۱-۶- زمان و مکان.....
۶۲۳-۲-۲- حکایت سیف الملوک و بدیع الجمال.....
۶۲۳-۲-۱- خلاصه‌ی داستان.....
۶۳۳-۲-۲- طرح.....
۶۵۳-۲-۳- زاویه‌ی دید.....
۶۶۳-۲-۴- شخصیت.....
۶۶۳-۲-۴-۱- شخصیت اصلی.....
۶۷۳-۲-۴-۲- نیروی‌های مخالف.....
۶۷۳-۲-۴-۳- شخصیت پردازی.....
۶۹۳-۲-۵- گفت و گو.....
۷۰۳-۲-۶- زمان و مکان و صحنه پردازی.....
۷۲۳-۳- حکایت قمرالزمان و گوهری.....
۷۲۳-۱-۳- خلاصه‌ی داستان.....
۷۴۳-۲-۳- طرح.....
۷۵۳-۳-۳- زاویه‌ی دید.....
۷۶۳-۳-۴- شخصیت.....
۷۶۳-۳-۴-۱- شخصیت اصلی.....
۷۶۳-۳-۴-۲- نیروی مخالف.....
۷۸۳-۳-۵- گفت و گو.....
۸۰۳-۳-۶- زمان و مکان.....
۸۱۳-۴-۴- حکایت اسب آبنوس.....
۸۱۳-۴-۱- خلاصه‌ی داستان.....
۸۲۳-۴-۲- طرح.....
۸۴۳-۴-۳- زاویه‌ی دید.....
۸۵۳-۴-۴- شخصیت.....
۸۵۳-۴-۴-۱- شخصیت اصلی.....
۸۶۳-۴-۴-۲- نیروی مخالف.....
۸۷۳-۴-۵- گفت و گو.....
۸۸۳-۴-۶- زمان و مکان.....
۸۹۳-۵-۵- حکایت بازرگان و عفريت.....
۸۹۳-۵-۱- خلاصه‌ی داستان.....
۹۱۳-۵-۲- طرح.....
۹۳۳-۵-۳- زاویه‌ی دید.....
۹۴۳-۵-۴- شخصیت.....
۹۴۳-۵-۴-۱- شخصیت اصلی.....

۹۴نیروی مخالف.....۳-۵-۲-۴
۹۶گفت و گو.....۳-۵-۵
۹۷زمان و مکان.....۳-۵-۶
۹۹ فصل چهارم: زیر ساخت
۱۰۰۱-۴-قصه‌های سفری.....
۱۰۰۱-۱-۴-حکایت سندباد.....
۱۰۲۲-۴-داستان‌های عاشقانه.....
۱۰۲۱-۲-۴-حکایت سیف الملوک و بدیع الجمال.....
۱۰۷۲-۲-۴-حکایت قمرالزمان و گوهری.....
۱۰۸۳-۲-۴-حکایت اسب آبنوس.....
۱۰۹۳-۴-حکایت بازرگان و عفریت.....
۱۱۱ فصل پنجم: نتیجه‌گیری
۱۱۲۱-۵-نتیجه‌گیری.....
۱۱۷فهرست منابع.....
۱۲۰فهرست مقالات.....

فصل اول

کلیّات

قدیم ترین میراث فرهنگی بشری و کهن سال ترین تراوشات دستگاه ذهنی آدمی افسانه‌هاست. این افسانه‌ها خاطره‌هایی از زندگی ابتدایی انسان را باز گو می‌کنند و پاسخ بسیاری از پرسشهای بی جواب در طول تاریخ بوده که شادی و غم حیات انسانی را به نمایش گذارده‌اند. در این قصه‌ها به رازهای زندگی پرداخته شده و پیشینه‌ی ملت‌ها، اعتقادات، آرزوها، دردها، رنجها و آداب و رسوم آنها و بسیاری از امور در پرتو آن روشن گردیده است. قصه و افسانه در ادبیات، آغاز معیینی ندارد. هر قومی تعصبی خاص نسبت به شنیدن گذشته‌ی خود دارد. از همین روی، تمام ملت‌ها با دقت و مراقبتی وسواس آمیز جزئیات افسانه‌های خود را گردآوری و تصحیح نموده‌اند و از آنجا که افسانه‌ها و قصه‌ها همسفران قصه گوینان، ساریانان و کاروانیان شرق و غرب و شمال و جنوب بوده‌اند در هر مکان با آداب قوم جدید آمیخته‌اند. ملت‌ها برای بیان دردها و شادی‌ها و آرمان‌ها و کیفیات روانی خویش، قالب روایت و افسانه را در سراسر جهان انتخاب کرده‌اند.

« مطالعه‌ی افسانه‌های کهن ملل، ارتباط تمدن‌ها و نوع آنها را مشخص می‌کند. از سوی دیگر قصه‌ها وادیان رابطه‌ای دو سویه با یکدیگر دارند. تقریباً تمام دین‌های بشری با افسانه آمیخته است و از طرف دیگر، قصه‌های عامیانه مملو از نقش مایه‌های مذهبی هستند و با بسیاری از داستان‌های کتاب‌های مقدس شباهت دارند. » (بتلهایم، ۱۳۸۱: ۱۵). نکته‌ی دیگر این است که قصه‌های هر دوره نمایانگر آداب و رسوم آن دوره است و سرانجام اینکه عده‌ای قصه‌های عامیانه را سرمنشأ ادبیات مکتوب می‌دانند و سیر تحول قصه‌های عامیانه را مورد توجه قرار داده‌اند. بنابراین هر محقق ادبی که می‌خواهد فرایند رشد ادبیات و سرچشمه و ظهور انواع ادبی و شگردهای آن را بفهمد باید به مطالعه این قصه‌ها اهتمام ورزد.

هزارو یک شب یکی از گنجینه‌های ارزشمند ادبیات عامیانه است. این کتاب از لحاظ ساختمان شبیه به کتاب‌هایی نظیر کلیله و دمنه و سند باد نامه است. یعنی یک داستان اصلی داستان‌های متعددی را به شیوه‌ی داستان در داستان در خود جای داده است و ظاهراً قبل از اسلام به ایران آمده و متن فارسی آن هزار افسان نامیده می‌شده است که بدون شک تعداد داستان‌های آن در مقایسه با امروز کمتر بوده است. در قرن سوم هجری به عربی ترجمه شده است و در مصر و بغداد داستان‌های زیادی به آن افزوده شده تا اینکه بصورت الفلیله و لیل‌ی کنونی درآمد است.

غربی‌ها نخستین بار با ترجمه‌ی آنتوان گلان از هزارو یک شب بین سال‌های ۱۷۰۴ تا ۱۷۱۷ با این مجموعه آشنا شدند. ترجمه‌ی این کتاب به فارسی در قرن دوازدهم هجری توسط عبدالطیف طسوجی صورت گرفته است و تا آن زمان کسی با این کتاب و داستان‌های آن آشنایی کامل نداشته است. برای آشنایی بیشتر با این کتاب برآن شدیم تا در این پژوهش به بررسی عناصر روستا و زیرساختی در پنج داستان از این مجموعه بپردازیم تا اولاً شناختی دقیق از افسانه سرایی ایرانی داشته باشیم و ثانیاً تحلیل روایی - زبانی از این کتاب را ارائه دهیم که خود خدمتی ناچیز به فرهنگ ایرانی خواهد بود.

۲-۱- پیشینه‌ی تحقیق

در زمینه‌ی موضوع مورد پیشنهاد ما، تا کنون هیچ کاری انجام نگرفته است و این اولین بار است که می‌خواهیم پنج داستان هزارویک شب را از دیدگاه عناصر داستانی مورد مطالعه قرار دهیم. با این حال گویا دو مقاله‌ی مختصر در باب تاریخ و نسخه‌ی فعلی الفلیله و لیله و ترجمه‌ی آن به زبان فارسی از سوی آقای دکتر محمد جعفر محبوب در کتاب ادبیات عامیانه‌ی ایران صفحات ۳۹۱-۳۶۱ آمده است که ربطی به موضوع تحقیق ما ندارد و تا کنون از سوی هیچ کدام از محققان و منتقدان ادبی این چنین کاری انجام نشده است. در واقع نگاه ما به مسأله تازه و بر اساس یک تئوری ادبی است که می‌تواند نتایجی یگانه و نو برای دانش ادبی به بار آورد.

۳-۱- اهداف تحقیق

شناخت عنصرهای طرح، روایت، فضا، شخصیت، گفتگو و موضوعات افسانه‌های قدیمی برای تعمیق دانش ادبی است. هدف تحقیق شناخت بهتر و عمیق‌تر گذشته‌ی ادبی و هم چنین ارائه راهکارهایی برای داستان‌گویی آیندگان است.

۴-۱- سؤالات تحقیق

سؤالات تحقیق در این پژوهش به این ترتیب است:

۱- آیا طرح داستان‌ها با رخدادهای ناگهانی پیش می‌رود؟

۲- آیا شخصیت‌های داستان‌ها پویایی دارند؟

۳- آیا زبان شخصیت‌ها متناسب با موقعیت طبقاتی آن‌ها هست؟

۴- آیا داستان‌ها زمان و مکان مشخصی دارند؟

۵- آیا راوی نتیجه‌ی مشخصی در پایان داستان ارائه می‌دهد؟

انسان در طول تاریخ همیشه از شنیدن داستان و قصه لذت برده است. چرا که در این آثار او به راحتی می‌تواند به آرزوهای دور و دراز خود بال و پر بدهد و فارغ از مشغله‌های روزانه خیال پردازی کند. گویا انسان از همان دوران ابتدایی لذت هنری این آثار را درک کرده که این سنت دیرینه تا به امروز باقی است. ردپای فرهنگ‌ها و آداب و رسوم اقوام مختلف را می‌توان در داستان‌ها و قصه‌ها یا به عبارتی در ادبیات آنان جست. براهنی می‌گوید «خدایان اساطیری هر قومی، تصاویری از ذهن افراد آن قوم هستند و اقوام ابتدایی در داستان‌های مربوط به خدایان خود، هویت اصلی خود را ناخودآگاهانه پیدا می‌کردند.» (براهنی، ۱۳۶۲: ۱۹۱). با توجه به اهمیت این آثار اینک به بررسی آن می‌پردازیم.

۱-۵- داستان

ای. ام. فورستر (رمان‌نویس و سخن‌شناس انگلیسی) در کتاب جنبه‌های رمان، داستان را چنین تعریف می‌کند: «داستان نقل وقایع است به ترتیب توالی زمان در مثل ناهار پس از چاشت و سه شنبه پس از دوشنبه و تباهی پس از مرگ می‌آید.» (فورستر، ۱۳۵۲: ۳۶). در این تعریف عامل زمان نقش مهمی دارد و در واقع داستانی واقعاً داستان است که بتواند احساسات خواننده یا شنونده را برانگیزاند و او را وا دارد که بخواهد بدانند بعد چه اتفاقی روی خواهد داد و اگر خواننده‌ای بعد از خواندن چند صفحه از یک کتاب داستان، آن را کنار بگذارد و تمایل به خواندن آن نداشته باشد و نخواهد بداند بعد چه اتفاقی می‌افتد آن داستان ناقص است. این حوادث و وقایعی که در داستان نقل می‌شود می‌تواند ذهنی یا عینی، درونی یا بیرونی باشد. اسکولز می‌گوید: «داستان می‌تواند مبتنی بر امور واقع باشد و نزدیکترین انطباق ممکن را بین قصه‌اش و چیزهایی که عملاً در جهان رخ داده‌اند را حفظ کند. یا بسیار خیالبافانه باشد و درکی را که از ممکنات معمول زندگی داریم زیر پا بگذارد» (اسکولز، ۱۳۷۰: ۱۷). می‌تواند چیزی ما بین این دو باشد. در واقع داستان زندگی را در قالب زمان نقل می‌کند و جهان بینی نویسنده را نیز به نمایش می‌گذارد.

۱-۵-۱ - داستان برای چیست ؟

«هدف واقعی ولی ناگفته‌ی داستان، لذت بخشیدن از رهگذر ارضاء عشق آدمی به عنصر نامعمول در تجربه‌ی بشری است خواه آن تجربه جسمی باشد و خواه روحی . این هدف به همان میزان به بهترین وجه حاصل می شود که فضای داستان توانسته باشد خواننده را اغوا کند که بپذیرد شخصیت های داستان درست مثل خود او حقیقی و واقعیند » (آلوت، ۱۳۸۶: ۶۹۰). خواننده در وهله‌ی اول برای سرگرمی و گذراندن اوقات فراغت به داستان روی می‌آورد. بعد تا آنجا که امکان دارد می‌خواهد از آن اطلاعاتی دریافت کند که در زندگی به کارش بیاید یعنی در واقع می‌خواهد به اطلاعاتش بیفزاید . اما اگر اثری سرگرم کننده و لذت بخش نباشد حتی اگر دامنه‌ی اطلاعات آن وسیع و غنی باشد نمی‌تواند موفقیتی کسب کند. عامل لذت و سرگرمی عاملی اساسی است که حتی انسان های ژولیده موی ابتدایی که شب را در کنار قصه گوی قبیله سپری می‌کردند، به خوبی درک کرده اند .

« از وقتی که داستان بوجود آمده این عامل در آن و همراه آن بوده است . اگر داستانی این چنین خصوصیتی نداشته باشد، هول و ولایی به وجود نمی‌آورد و رغبت خواندن را ،در خواننده بر نمی‌انگیزد . بنابراین ما به داستان از دو نظر علاقه داریم :

۱- گذراندن اوقات فراغت و سرگرمی و لذت بردن از خیال پردازی

۲- کنجکاوی و آرزوی درک کنه واقعیت به بیانی دیگر دریافت اطلاعات

خواننده‌ی اندیشمند امروزی از داستان بیشتر اطلاعات می‌خواهد تا سرگرمی، تا این اطلاعات روزنه‌ای باشد در مسیر زندگی پر تحول او گر چه عده‌ای هم هستند که به عنوان سرگرمی به داستان روی می‌آوردند به هر حال این ویژگی های داستان به هم آمیخته است و داستان همچون زندگی آدمی است که سرگرمی ها و وقت گذرانی هایش با آموختن و دریافت اطلاعات همراه است « (میر صادقی ، ۱۳۸۵ : ۳۹).

۱-۵-۲ - انواع داستان

دنیا پیوسته در حال تغییر و دگرگونی است .این تغییر از سویی عینی است؛ یعنی زندگی مادی ،سیاسی و اقتصادی انسان دچار دگرگونی شده و از سوی دیگر دنیای درونی انسان با توجه به تحولات دنیای خارج دستخوش تغییرات فوق العاده‌ای شده است. به همین دلیل نظام ذهنی و فکری انسان دچار دگرگونی شده است. از این رو انسان در هر دوره به لحاظ شناخت و تصور نظام فکری خود نوعی از داستان را آفریده و ادبیات مکتوب

و شفاهی را به وجود آورده است. در واقع ادبیات هر ملت بازتاب تغییرات و دگرگونی‌های درونی و بیرونی آن ملت است. چهره‌ی متحول انسان را در ادوار مختلف نشان می‌دهد. داستان که زاده‌ی حوادث و واقعیت‌های زندگی اوست نیز دگرگون می‌شود و از اینجاست که انواع داستان از دیرباز تا کنون به وجود آمده است. این انواع را می‌توان به قصه، داستان کوتاه و رمان تقسیم کرد که هر کدام ویژگی‌های خود را می‌طلبند.

۱-۶- قصه و قصه‌گویی

زمانی که بشر ابتدایی خسته از شکار روزانه شب را در کنار قصه‌گوی قبیله به روز می‌رساند، قصه نخستین حلقه‌ی پیوند آدمیان شد و آن‌ها را در کنار آتش گرد هم جمع می‌کرد و مرهمی شد بر زخم نادانسته‌های بشر ابتدایی. در واقع بشر جواب سؤال‌های نخستین خود را از دهان قصه‌گوی قبیله می‌شنید و به همان جواب‌های کودکانه قناعت می‌کرد. بارها و بارها سوار بر قالی‌های پرنده و اسب آبنوس به این سو و آن سو می‌رفت تا در داستان‌ها به آرزوی پرواز خود برسد. با قصه‌ها بر ترس و وحشت خود از پدیده‌های اطراف غلبه می‌کرد. بنابراین نقش قصه در آغاز تبیین پدیده‌های ناشناخته‌ی پیرامون انسان و برقراری ارتباط بود.

قصه‌های نخستین که قدیم‌ترین آنها هزار افسان می‌باشد همچون انسان‌های نخستین پیچیده نبودند. قصه‌های اولیه مطابق با زندگی و تصورات انسان اولیه بوده است و همراه با رشد و تکامل زندگی و اندیشه‌ی بشر قصه‌ها هم رشد یافته و پیچیده‌تر شدند. قصه‌های هر دوره نمایانگر اندیشه‌ها و جهان بینی مردم آن دوره است. در واقع می‌توان آداب و رسوم اقوام گوناگون را در قصه‌های آن‌ها یافت. امروزه نیز با وجود رادیو و تلویزیون و روزنامه، انسان‌ها از شنیدن قصه بی‌نیاز نیستند، چون نوعی درمان است و انسان‌ها با شنیدن قصه به نحوی تخلیه‌ی روانی می‌شوند.

۱-۶-۱- تعریف قصه

واژه‌ی قصه به معنی سرگذشت و حکایت است. اصطلاحاً به آثاری گفته می‌شود که در آن جا تأکید بر حوادث خارق‌العاده بیشتر است تا تحول و تکوین شخصیت‌ها و افراد. در قصه‌ها یا حکایت‌ها اصل ماجرا بر رویدادهای خلق‌الساعه مبتنی است. حوادث، قصه‌ها را به وجود می‌آورد و در واقع رکن اساسی و بنیادی آن را تشکیل می‌دهد؛ بدون آن که در گسترش و بازسازی قهرمان‌ها و آدم‌های قصه نقشی داشته باشد. خلاصه این که خصوصیات قصه یا حکایت به قرار زیر است:

« الف : غالباً بدون پیرنگ هستند؛ یعنی رابطه‌ی علت و معلولی میان حوادث آنها وجود ندارد .

ب : اساس جهان بینی در قصه‌ها اغلب بر مطلق گرایی استوار است؛ یعنی اینکه قهرمان‌های قصه یا خوب اند یا بدند . قهرمان‌های متوسط و بینابین در قصه‌ها پیدا نمی‌شوند و تعارض و تضاد بین خوبی و بدی یا قهرمان خوب و آدم بد رویدادهای قصه‌ها را تشکیل می‌دهند؛ مثلاً در قصه‌ی معروف امیر ارسلان عنصر شر ، قمر وزیر بدانیدیش است و طرف خیر شمس وزیر فرخ لقااست که قمر وزیر برای بدست آوردن فرخ لقا به حیل‌های مختلف دست می‌زند . در این بین نقش قهرمان یعنی امیر ارسلان شناختن طرف شر و کوشش برای از بین بردن اوست .
پ : قهرمان قصه‌ها آدم‌های معمولی نیستند . آن‌ها معمولاً نمونه‌های کلی از خصلت‌های عمومی بشر را ارائه می‌دهند؛ از این رو شخصیت پردازی در قصه‌ها مورد توجه نیست . مثلاً در سمک عیار خورشید شاه نمونه‌ای از خصایل خوب و دلاوری ، سمک عیار نمونه‌ی جوانمردی و عیاری، وزیر نمونه‌ای از کید ، رذالت و حیل‌گری است.

ت : دو عنصر زمان و مکان در قصه‌ها خیالی و فرضی هستند . غالباً حوادث و ماجراهای قصه‌های فارسی در کشورهایی مانند حلب ، یمن و چین و ما چین و یا کشوری نامعلوم روی می‌دهد و زمان آن نامشخص است.
ث : شخصیت‌های قصه‌ها از شاه و گدا ، همه به یک زبان سخن می‌گویند و هیچ اختلافی در گفتارشان دیده نمی‌شود .

ج : حادثه‌ها و ماجراهای قصه ، تابع رابطه‌ی علت و معلولی نیستند؛ بلکه از اصل برانگیختن اعجاب پیروی می‌کنند و توالی رویدادهای خلق الساعه و غیر عادی ، هیچ گونه رابطه‌ی منطقی را دنبال نمی‌کند .
چ : محتوا و مضمون قصه‌ها ، معمولاً مربوط به زمان های دور و جوامع گذشته‌ی از یاد رفته است « (درویشان و خندان ، ۱۳۷۸ : ۳۲).

کار قصه‌ها نخست این است که با وارد کردن قهرمان‌هایی با نیروهای مافوق طبیعی که مطلق خوبی یا بدی هستند و نیز حوادث شگفت انگیز، توجه مخاطب را جلب می‌کنند و سپس از این حوادث باورنکردنی نتایج اخلاقی می‌گیرند. در این پژوهش ما با قصه‌های عامیانه سر و کار داریم که ابتدا به معرفی این قصه‌ها می‌پردازیم .
«فرهنگ عوام در زبان فارسی از کلمه ی بین المللی فولکلور گرفته شده است. فولکلور به معنی دانش عوام است ، آمبرواز نخستین کسی است که این کلمه را اختیار کرد و مدت ها گذشت تا ترکیب مذکور جنبه‌ی بین المللی یافت» (محبوب، ۱۳۸۲: ۳۵).

۱-۶-۲- قصه های عامیانه

به انواع قصه‌های کهن گفته می‌شود که به صورت شفاهی یا مکتوب در میان اقوام گوناگون از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. قصه‌ی عامیانه انواع مختلفی دارد از اساطیر، قصه‌های پریان، و نیز قصه‌های مکتوبی که موضوعات آن از فرهنگ قومی گرفته شده است.

«در توضیح چگونگی پیدایی این ادب گفته‌اند که در پی انحطاط ادبیات کلاسیک فرصتی برای خودنمایی زبان و ادبیات مردمی پیش آمد و ادبیات عامیانه به حوزه‌ی ادب عرب راه یافت که از آن جمله هزار و یک شب مقام و موقعیت درخشانی کسب کرد» (محبوب، ۱۳۸۲: ۳۸۷). البته حافظه‌ی بشر نیز در حفظ این ادب نقش مهمی دارد چون که سالیان سال به صورت شفاهی نقل شد تا به صورت مکتوب در آمد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این قصه‌ها تأکید بر برتری نیروی سرنوشت بر دیگر نیروهاست که در بسیاری از حکایت‌های هزار و یک شب هم دیده می‌شود. از دیگر ویژگی‌های آن مردمی بودن و انعکاس اندیشه‌های عالی است. ولی مضمون اصلی تمام وقایع و حوادث در افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه غلبه و برتری درستکاری بر ریاکاری و خوبی بر بدی است. «دارا بودن حالات و عواطفی از قبیل امید به آینده‌ی روشن، نیک اندیشی و خوش بینی است که این خصلت از آفرینش جمعی و مردمی بودن آنها است.» (درویشان و خندان، ۱۳۷۷: ۳۹).

۱-۶-۳- انواع داستان های عامیانه

«داستان‌های تخیلی: داستان‌هایی که صرفاً زاده‌ی تخیل داستان‌سرایان هستند و هیچ گونه اصل و منشأ تاریخی ندارند. مانند امیر ارسلان.»

داستان‌هایی که ریشه‌ی تاریخی و جهانی دارند؛ اما به مرور زمان رنگ تاریخی خویش را از دست داده‌اند. داستان‌هایی که قهرمانان آن بزرگان دین هستند که غالباً نیز افسانه‌آمیز هستند مانند خاوران نامه.

داستان‌های دینی و تاریخی: داستان‌هایی که در اصل بر روی حوادث تاریخی دور می‌زنند؛ اما گاه به مقتضای تعصبات دینی شاخ و برگ گرفته‌اند مانند مختارنامه.

داستان‌های عاشقانه: زمینه‌ی اصلی این گونه داستان‌ها علاوه بر عشق عبارت است از نیکوکاری و احسان، انتقاد اجتماعی و ... گاه نیز منظور نویسنده بیان سرگذشت و مشغول کردن خواننده است. بعضی از این گونه کتاب‌ها از روی کتاب‌های قدیم الف لیله و لیله و نظایر آن نگاشته شده است. مانند هفت پیکر بهرام گور، داستان‌های ساخته شده بر اساس احادیث و روایات، مانند کتاب مختصر عاق والدین و شرح شهادت یاران امام حسین.

داستان‌های اقتباسی: مانند مثنوی‌های کوتاه شیخ بهایی موسوم به نان و حلوا، شیر و شکر، در میان این گونه داستان‌ها طبع شده و انتشار یافته است» (محبوب، ۱۳۸۲: ۱۱۸). در هیچ یک از این داستان‌ها کسی که خلاف اصول جوانمردی و اخلاق رفتار کند هرگز پیروز نمی‌شود و قهرمانان برای رسیدن به اهداف خود هرگز به حيله و نیرنگ متوسل نمی‌شوند.

۱-۶-۴- هدف قصه‌ها

قصه‌ها تنها برای لذت بخشیدن و سرگرمی و مشغول کردن نیستند. در واقع قصه‌ها زیر بنای آموزشی دارند. آموزش اصول اخلاقی، برادری و برابری و دوری از بدی و بدکرداری. در قصه‌ها اگر لغزشی از سوی شخصیت‌ها صورت بگیرد خیلی زود متوجه اشتباه خود می‌شوند و در مسیر درست قرار می‌گیرند. «درون مایه‌ی قصه‌ها برخورد خوبی‌ها با بدی‌هاست. قهرمان‌های خوب با نیروهای شریر و اهریمنی می‌جنگند و موضوع قصه را به وجود می‌آورند. درون مایه‌ی قدیمی و اساطیری نبرد روشنایی با تاریکی، اهورا مزدا با اهریمن و نیکی با بدی که متأثر از تفکر زرتشتی است؛ هسته‌ی اصلی بیشتر قصه‌هاست» (میر صادقی، ۱۳۶۶: ۹۷). البته در همه‌ی قصه‌ها با قهرمان‌های خوب سر و کار نداریم، برخی از قصه‌ها دارای قهرمان‌های عاقل و باطل و درون مایه‌های بی‌ارزشی هستند.

۱-۶-۵- قصه‌ها از لحاظ روان شناختی

قصه‌ها علاوه بر معنای ظاهری معنای باطنی و درونی نیز دارند؛ که انسان‌های عوام به همین معنای ظاهری اکتفا می‌کنند و بیشتر به قصه‌ها به عنوان یک عامل سرگرم کننده نگاه می‌کنند؛ ولی دانایان علاوه بر معنای ظاهری به معنای درونی قصه‌ها نیز توجه دارند. قصه از لحاظ روان شناسی ممکن است سه معنی و بطن داشته باشد:

«۱- معنی گیتیانه، که همان ظاهر قصه است و از این قبیل هستند روایات حماسی مربوط به افراد و وقایع تاریخی. این معنا گاه پوسته یا صورت تعلیم و مضامین نمادی قصه است. برای سازندگان اساطیر و قصه‌ها بسیار آسان بوده است که وقایع تاریخی و امور واقعی را چون قالب مادی آموزش نمادی به کار برند.

۲-معنای قدسی یا مینوی که آموزش روانی قصه است . و آن نمایش پیکار روح و ماده در انسان و در واقع مترجمان رمزی ضمیر آدمی است. این وجه عناصر سازنده‌ی باطن انسان است. و از این رو ملک کهنسال در واقع معرف ناخودآگاهی است و در قصه مقام مهمی دارد . چه عادتاً ناخودآگاهی به علت قدرت بی حساب مرورش در قصه‌ها به صورت شاهی پیر جلوه‌گر می‌شود. پس معنای قدسی یا نمادی قصه یا اسطوره معنای آن از لحاظ روانشناسی ، یعنی نمایشگر عناصر اساسی روان و ضمیر آدمی است.

۳-معنای باطنی و راز آموزانه‌ی قصه : در این لایه شاه پیر معرف ناهشیاری جمعی و یا به عبارت دیگر صورتی نوعی و مثالی است . آموزش باطنی در واقع بیان و نمایش رمزی نظام مابعدالطبیعی و کوششی است برای هماهنگ ساختن قوای طبیعی و ما فوق طبیعی در پهنه‌ی کیهان و تحقق این آرزو در قصه‌ها با عبارت نمونه وار « شاد زیستند و صاحب فرزندان بسیار شدند » نموده می شود که نشانه‌ی اتصال صور نوعی جهانی و جاودانی یا معتقدات آباء و اجداد با مفاهیم زودگذر و ناپایدار زندگی روزانه است» (ستاری، ۱۳۸۶ : ۲۳۷).

قصه‌ها چندان با عقل و هوشیاری آدمی سر و کار ندارند؛ بلکه زبان قصه زبان ناهشیاری است که تنها با کشف و شهود می‌توان آن را دریافت. اینکه گفته شده قصه‌ها خاصیت درمانی دارند همین هماهنگ کردن هوشیاری ناهشیاری است . بنابراین هر قصه نوعی آموزش است و در آن معنای باطنی و سحر آمیزی نهفته است که این‌ها همه نتیجه‌ی همان عنصر مافوق طبیعی قصه است. (حوادثی شگفت انگیز و قهرمان‌هایی با نیروهای مافوق طبیعی) و این اثر بخشی قصه همچنان تا به امروز به قوت خود باقی است.

۱-۶-۶- انواع قصه

قصه را کل می‌گیریم و انواع آثار خلاقه‌ای را که پیش از مشروطه در ایران رواج داشت ، متفرعات آن به حساب می‌آوریم . مهم ترین این انواع عبارتند از افسانه‌ی تمثیلی ، حکایت اخلاقی ، افسانه‌ی پریان ، افسانه‌ی پهلوانان ، اسطوره و ... و سه خصوصیت عمده‌ی قصه که عبارتند از : ۱- خرق عادت ۲- پیرنگ ضعیف ۳- کلی گرای، بر همه‌ی آنها صادق است؛ اما هر کدام از آنها خصوصیات خاص خود را دارد که آنها را از یکدیگر جدا می‌کند .

«افسانه‌ی تمثیلی

آن گونه افسانه یا قصه‌ای است که شخصیت اول یا اصلی آن می‌تواند از میان خدایان ، موجودات انسانی ، حیوانات و گاهی هم اشیاء بی جان برگزیده شود . در این افسانه جانوران طبق خصلت طبیعی و واقعی خود رفتار